

بررسی الگوی دینداری از منظر قرآن و سنت

دکتر علی نقی فقیه‌ی * دکتر محمد خدایاری فرد **
دکتر باقر غباری بناب *** دکتر محسن شکوهی یکتا ****

چکیده

هدف از تحقیق حاضر، بررسی مؤلفه‌های دینداری با رویکرد درون دینی به آیات قرآن و احادیث معصومین «علیهم السلام» و تبیین عناصر اصلی دینداری با دید روان‌شناختی است.

روش پژوهش، روش توصیفی-تحلیلی است و ضمن مطالعه مفهوم اصلی دین به معنای دیانت و دینداری، سه دسته از متون قرآنی و حدیثی مورد مطالعه قرار می‌گیرند. این سه دسته عبارتند از: الف) واژگان کلیدی مؤلفه‌های دینداری، ب) اوصاف و نشانگان افراد دیندار، ج) دیدگاه‌ها و رفتارهای منافی با دینداری. در بررسی این سه دسته از متون، مشخص گردید که محورهای اساسی دینداری در سه محور زیر مورد تأکید است:

۱- علم و معرفت یقینی و باور قلبی به متعلقات ایمان؛ ۲- حب خدا، رسول (ص) و اهل البیت (ع)، ارتباط‌های عاطفی، پذیرش ولایت و امور وابسته به آن؛ ۳- عمل صالح، اطاعت، عبادت و پرهیز از گناه و آلودگی‌های اخلاقی و معنوی. از این رو مؤلفه‌های به دست آمده از این متون، در سه بعد: شناخت‌ها و باورها، عواطف و عملکردها طبقه‌بندی شده‌اند. سپس مؤلفه‌های کشف شده از هر دسته از متون در جداول مختلف نشان داده شده‌اند. در پایان به بحث و نتیجه‌گیری در مورد این مؤلفه‌ها و ذکر محدودیت‌های پژوهش پرداخته شده است.

* استادیار دانشگاه قم

** دانشیار دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.

*** استادیار دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

**** استادیار دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.

واژه‌های کلیدی: ۱. مؤلفه‌های دینداری ۲. درون دینی ۳. قرآن و احادیث
۴. روان شناختی ۵. سنت

۱. مقدمه

دین از نظر روانشناختی، پیچیده و شامل مجموعه‌ای از مقوله‌های روانشناختی از جمله هیجان‌ات، باورها، ارزش‌ها، رفتارها و محیط اجتماعی است (۳، ص: ۱۴). وربیت به نقل از فوکویاما و سویژ (ص: ۶) با اعتقاد به چند بُعدی بودن دین، شش بُعد را برای دین ذکر می‌کند:

- (۱) شعائر: مراسم مذهبی خصوصی و یا عمومی.
- (۲) تعالیم: نظرات قطعی پیرامون رابطه فرد با غایت.
- (۳) عاطفه: برخورداری از احساسات (هیبت، عشق، ترس و غیره).
- (۴) معرفت: آشنایی عقلانی با اصول و متون مقدس.
- (۵) اخلاق: قواعدی دال بر خیر و شر، خوب و بد، برای هدایت رفتارهای بین فردی.
- (۶) جماعت: ورود به جماعت اهل ایمان، از جهات روانشناختی، اجتماعی، و یا فیزیکی با اهمیت است.

در میان نظریه پردازان روانشناسی دین که به دیدگاهی ساختاری به تبیین مؤلفه‌ها و سازه‌های تشکیل دهنده دین پرداخته‌اند، می‌توان از نظریات آلستون و همکاران (۴، ص: ۱۶۲)، کینگ (۱۱، ص: ۸۵) و استارک و گلاک (۳۳، ص: ۳) نام برد. از دید پترسون و همکاران (۳۲، ص: ۲۵) زمانی امکان تدوین تعریف‌های علمی از دین وجود دارد که بتوانیم صفات مربوط به ساختار عمومی ادیان را برشماریم.

از دیدگاه پترسون و همکاران (۳۲، ص: ۳) به طور کلی، دین مجموعه‌ای از اعتقادات، احساسات و اعمال فردی یا جمعی است که حول مفهوم حقیقت غایی یا امر مقدس سامان یافته است. این حقیقت غایی را می‌توان بر حسب تفاوت ادیان با یکدیگر، واحد یا متکثر، متشخص یا نامتشخص، الوهی یا غیر الوهی و نظیر آن تلقی کرد. اسمارت (۸، ص: ۳) شش بعد را ذکر نموده و معتقد است که این ابعاد در تمام ادیان واقعی وجود دارند. وجود شش گانه او عبارتند از: «شعائر^۱، اسطوره‌شناسی، تعالیم، اخلاق، بُعد اجتماعی و بُعد تجربی».

آلستون (۴، ص: ۱۶۹) نیز مشخصات اساسی و اختصاصی دین را عبارت می‌داند از:
الف) اعتقاد به موجودات فوق طبیعی (خدایان)؛ ب) تفکیک میان اشیای مقدس و غیرمقدس؛ ج) اعمال و مناسکی که بر امور مقدس تکیه دارد؛ د) قانون اخلاقی که اعتقاد به

مصوّب بودن آن از ناحیه خدایان وجود داشت؛ ه) احساساتی که مشخصه دینی دارند (نظیر خشیت، احساس راز و رمز، احساس گناه و پرستش) که در محضر امور مقدس و در ضمن مراسم خاصّ سر در می‌آورند؛ و) دعا و دیگر صور ارتباط با خدایان؛ ز) جهان‌بینی و تصویر عام از جهان به‌عنوان یک کلّ و موقعیت فرد در آن؛ ح) نظامی کم و بیش کامل در مورد چگونگی حیات فرد که بر جهان‌بینی مبتنی است؛ ط) یک گروه اجتماعی که امور فوق، آن‌ها را به هم پیوسته است.

آلستون می‌افزاید: می‌توانیم جهت تعریف دین، بگوییم وقتی که این مشخصه‌ها به میزان کافی وجود داشته باشد، ما یک دینداریم (۴، ص: ۱۷۳).

استارک و گلاک (۳۳، ص: ۲۸) با مشاهده این موضوع که مطالعات تجربی مربوط به دین، به نتایج متناقض منتهی می‌شود و هر محقق به سلیقه خود، دین را تعریف می‌کند. با مروری بر نتایج این پژوهش‌ها، ویژگی‌های متفاوتی را برای دینداری برگزیده‌اند. گلاک و استارک، این ویژگی‌ها را حول پنج بُعد جمع کردند و مفهوم عملیاتی مجزایی از دین ساختند. این ابعاد پنج‌گانه، طبق نوشته این دو محقق در کتاب *پارسای آمریکایی: ماهیت تعهدات مذهبی تدوین شده است*:

۱. بُعد اعتقادی یا باورهای دینی: نوعی ادراک فردی برخاسته از معرفت دینی که به فرد بینش خاصی نسبت به حقانیت اصول دینی ارائه می‌دهد. در واقع بُعد اعتقادی عبارتست از: باورهایی که انتظار می‌رود، پیروان آن دین بدان اعتقاد داشته باشند.

۲. اعمال دینی: که خود به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف) شعائر یا مناسک: آداب و رسوم تدوین شده و در میان معتقدان به دین، رفتارهای نمونه‌ای به حساب می‌آیند. مناسک به‌طور کامل، مراسمی هستند که هر دین از پیروان خود انتظار دارد آن‌ها را به‌جا آورند.

ب) پرستش و دعا: اعمالی فردی و خصوصی که فرد آن‌ها را تنها با رضایت خاطر خود بدون اجبار انجام می‌دهد، زیرا این‌ها اعمالی غیر رسمی هستند.

۳- بُعد تجربی دینی: موقعیت‌های برتر ایجاد شده‌ای که فرد در آن‌ها خود را رویاروی و مواجه با یک شعور برتر احساس می‌کند.

۴- دانش دینی: شامل حداقل آگاهی فرد مؤمن از دین مورد قبول خود اوست. زیرا شناخت از اصول و فروع دین و سنت‌ها، تاریخ و سایر امور دینی در حداقلی از سطح ممکن لازم است تا فرد را به‌عمل دینی بکشاند.

۵- پیامدها: این بُعد، ناظر بر رفتار روزمره و غیر دینی افراد است. حضور و وجود اندیشه و هستی خداگرایانه در متن زندگی که در رفتار غیر دینی فرد استحکام می‌یابد و به زندگی او رنگ و بوی دینی می‌دهد، از نتایج و پیامدهای دینداری است.

در بین مسلمانان هم، غزالی پس از معرفت نفس، خدا، دنیا، آخرت، ارکان مسلمانی را عبادات، معاملات، پرهیز از مهلکات و هم‌چنین منجیات دانسته است (ج: ۱، ص: ۱۷). طبقه‌بندی علمای اسلام هم‌چون علامه طباطبایی (ج: ۱، ص: ۶۲) و استاد شهید مطهری (ج: ۱، ص: ۳۸) و جوادی آملی (۱۰، ص: ۳۳) از تعالیم اسلام عبارت است از اصول عقاید، اخلاقیات و احکام. و افراد دیگری مانند آذربایجانی (ص: ۴۸) ایمان را بر سه بخش اصول دین و عقاید، فروع دین و اخلاقیات دسته‌بندی کرده و زیر مجموعه‌های آن‌ها را نیز تبیین نموده‌اند و به صورت کلی تعالیم اسلامی را با رویکرد برون دینی طبقه‌بندی کرده‌اند. در جدول شماره ۱ الگوهای دینداری بر اساس نظریات دانشمندان نشان داده شده است.

جدول شماره ۱: الگوهای دینداری از نظر چند دانشمند

نظریه پردازان موضوع	پترسون	آلستون	اسمارت	استارت و گلاک	غزالی، علامه طباطبایی، شهید مطهری، جوادی آملی
محور قرار دادن یک موجود مقدس	مفهوم حقیقت غایی یا امر مقدس	اعتقاد به موجودات فوق طبیعی	—	—	عالم غیب یکی از عوامل هستی است، خدا نامحسوس است و احکام و قوانین دینی در بعد فرد، اجتماعی، سیاسی و... منبع غیبی دارد.
اعتقادات	اعتقادات به‌عنوان جزئی از دین تعریف شده است	اعتقاد به موجودات فوق طبیعی	—	بعد اعتقادی یا باورهای دینی	اصول عقاید که شامل شناخت و باور نسبت به توحید و عدل و نبوت و امامت و معاد و قوانین الهی
احساسات	احساسات به‌عنوان جزئی از دین تعریف شده است	احساساتی که مشخصه دینی دارند	—	—	رابطه عاطفی با خدا و اولیای دین
اعمال و مناسک	اعمال به‌عنوان جزئی از دین تعریف شده است	اعمال و مناسکی که بر امور مقدس تکیه دارد	شعائر	شعائر، پرستش و دعا	پرستش، مناسک، دعا و پرهیز از گناه

بررسی الگوی دینداری از منظر قرآن و سنت ۴۵

اخلاقیات	—	بعد قوانین اجتماعی	امور اخلاقی	—	فضایل اخلاقی شامل اخلاق فردی و اجتماعی
بعد اجتماعی یا فردی	اعمال فردی و جمعی مرتبط با حقیقت غایی	گروه اجتماعی که با دینداری، اعضای آن به هم پیوسته‌اند	جنبه اجتماعی	اعمال فردی که برای خدا انجام می‌گیرد	اعمال فردی و جمعی با انگیزه الهی
بعد تجربی	—	—	تجربه دینی	تجربی دینی	تهذیب نفس و تجربه دینی
دانش دینی	—	—	تعالیم دینی	شناخت اصول و فروع دین	معارف الهی، آگاهی از مجموعه ضوابط مربوط به رفتارهای عبادی، رفتارهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی

همان‌طور که ملاحظه می‌کنید به نظر می‌رسد دیدگاه دانشمندان اسلامی مبنی بر انقیاد و تسلیم بر گزاره‌های دینی که از منبع غیب ناشی شده است و هم‌چنین تأکید بر احکام دینی به‌عنوان یکی از محورهای اساسی دینداری، وجه امتیاز این نظریه با نظریات ساختاری دانشمندان غربی از دینداری است که به آن پرداخته شده است. در تبیین دیانت و مشخصات دیندار، اعتقاد به موجود مقدس محور همه نظریه‌ها است. پترسون در تعریف از دین، آلستون به‌عنوان مشخصه فرد دیندار، استارت و گلاک به‌عنوان یک بعد از دین، اسمارت با عنوان تعلیم و معرفت و نیز علامه طباطبایی، شهید مطهری و نیز آیت الله جوادی آملی به‌عنوان یکی از تعالیم اسلامی، و درک عقلانی از اصول دین؛ اعتقادات را مدنظر قرار می‌دهند و همه آنان احساسات و عواطف دینی را نیز مورد توجه قرار داده‌اند. هم‌چنین وجود شعائر و مناسک و از جمله دعا در دین که افراد آن را می‌بایست عملی سازند؛ در نظریات آنان از محورهای دینداری تبیین گردیده است. اخلاقیات نیز بعد دیگری از دین می‌باشد که دانشمندان محورهای اصلی دینداری برشمرده‌اند.

از دیدگاه پترسون، وربیت و اسمارت، دین، علاوه بر صورت فردی، صورت جمعی نیز دارد و در واقع دین را هم دارای بعد فردی و هم اجتماعی دانسته‌اند. آلستون نیز معتقد است که یک گروه اجتماعی دیندار از کسانی که شاخصه‌های دینداری را دارا می‌باشند تشکیل می‌شود و بنابراین وی دین را فقط فردی نمی‌داند بلکه برای بعد اجتماعی آن نیز ارزش قائل شده است. اسمارت همانند استارک و گلاک، بعد تجربی را نیز مدنظر قرار داده است. آنان معتقدند که فرد در رویارویی و مواجهه با یک شعور و احساس برتر که در

موقعیت‌های خاص ایجاد شده، خود را به خدا نزدیک‌تر می‌بیند. شناخت اصول و فروع دین و آموزش و یادگیری آن یکی دیگر از ابعاد دینداری است که اسمارت، استارک و گلاک به آن پرداخته‌اند و نیز علامه طباطبایی، شهید مطهری و آیت‌الله جوادی آملی شناخت اصول را در اعتقادات و فروع را در احکام مدنظر داشته‌اند. در میان ابعاد و مشخصه‌های دینداری، اعتقادات بیش از دیگر موارد مورد توجه عموم نظریه پردازان بوده است. به‌ویژه آلستون که اعتقاد به خدا، داشتن جهان‌بینی، اعتقاد به نظام احسن بودن جهان هستی، در نظریه وی برجسته گردیده است. انجام عبادات و دعاها و مناسک دینی نیز در غالب نظریات مطرح گردیده است و هم‌چنین احساسات دینی، اخلاق در بعد اجتماعی و فردی، از برجسته‌ترین ابعاد پذیرفته شده در دین مطرح شده و به گفته پترسون همه باید حول یک مفهوم غایی یا امر مقدسی باشد.

پیشینه تحقیق حکایت از آن دارد که اولاً: رویکرد این تحقیقات غالباً برون‌دینی است و هر پژوهشگری بر مبنای انتظاری که از دین دارد و با توجه به آگاهی‌هایش از تعالیم دینی، به نظر خود، دورنمایی از عناصر اصلی دینداری را مشخص کرده است. ثانیاً: در نظریات روان‌شناسانه هرکدام بر اساس مدل روان‌شناختی که خود داشته‌اند محتوایی از دینداری را مورد تأکید قرار داده‌اند و به مدل دیگر صاحب‌نظران توجهی نداشته‌اند تا با شناسایی نقاط ضعف نظریات گذشته در رفع نقایص آن‌ها برآیند و به تکمیل مدل واحدی بپردازند. تشتت آرا و مدل‌های روان‌شناختی متفاوت حکایت از آن دارد که تحقیقات در این زمینه از انسجام برخوردار نبوده است. و لذا غالباً از اصطلاحات یکسان استفاده نشده است و در اصطلاحات یکسان هم، چنین نیست که محتوای یکسان منظور باشد. ثالثاً: در این تحقیقات به امور کلی دینداری پرداخته شده است و محتوای دینداری، به‌صورت کاملاً کاربردی ریز و مشخص نگردیده است. اما در این تحقیق اولاً: مؤلفه‌ها و الگوهای دینداری با رویکرد درون دینی بررسی می‌شود. هدف در این تحقیق دستیابی به دیدگاه قرآن و سنت دربارهٔ محورهای اصلی دینداری است. در حقیقت انتظاری که دین از پیروان خود دارد و جنبه‌های محوری و مؤلفه‌های اصلی و فرعی مهم دینداری بر اساس دیدگاه خود دین مکشوف می‌شود. ثانیاً: مجموعه آیات و احادیث در زمینه دینداری، از دیدگاه خداوند حکایت کرده و خدا در قرآن و معصومان (علیهم‌السلام) در احادیث درصدد تبیین و توضیح الگوی واحدی از دینداری بوده‌اند و با به‌کارگیری اصطلاحات یکسان، محتوای یکسانی را ارائه کرده‌اند. بنابراین با جمع‌آوری، توصیف و تحلیل محتوای آیات و احادیث نظریه اولیای دین درباره دینداری مشخص می‌گردد. ثالثاً: در این تحقیق صرفاً به امور کلی دینداری پرداخته نمی‌شود بلکه محتوای دینداری کاملاً ریز و مشخص می‌گردد.

اهمیت این پژوهش در آن است که مؤلفه‌های دینداری بر اساس متون اسلامی معرفت فرهنگ دینی و تعلیم و تربیت را در جامعه اسلامی رشد می‌دهد و در مطالعات مربوط به روان‌شناسی دین مفید واقع می‌شود. شناخت مؤلفه‌های دینداری به صورت ریز، محور سؤالات دینداری را مشخص نموده و به ساخت ابزارهای پژوهشی ناظر به متغیرهای دینی کمک می‌کند و ساخت این‌گونه ابزارها، بررسی ارتباط دینداری را با سایر سازه‌های روان‌شناختی ممکن می‌سازد.

مسأله اصلی در این تحقیق، این است که در منابع اصیل اسلامی چون قرآن و احادیث معصومین «علیهم السّلام» چه عناصر محوری و مؤلفه‌های مهمی برای دینداری در نظر گرفته شده است؟ و چگونه می‌توان آن‌ها را از نظر روان‌شناختی طبقه‌بندی کرد؟

۲. روش

به‌طور کلی در این پژوهش، روش اجتهادی (توصیفی - تحلیلی) مورد استفاده قرار گرفته و با مراجعه به متون اصیل دینی (قرآن و کتب حدیثی) و به کارگیری روش اصولی اجتهادی و با توجه به قواعد علم رجال^۲ و علم درایه^۳ و شیوه تفسیر متن، سه دسته از متون مربوط به مؤلفه‌های اصلی دینداری بررسی گردید. این سه دسته عبارتند از:

۱- واژگان کلیدی مانند: ملاک‌الدین، اصل‌الدین، اساس‌الدین، قواعدالدین، رأس‌الدین، عمادالدین، عمودالدین، نظام‌الدین، جماع‌الدین، دعائم‌الدین، ارکان‌الایمان، اصل‌الایمان، حقیقه‌الایمان؛^۲ نشانگان و اوصاف انسان مؤمن و دیندار؛^۳ عناصری که با دینداری و ایمان منافات دارد.

در این تحقیق مؤلفه‌های این سه دسته از متون در سه بعد شناخت و باور، عواطف و عملکرد طبقه‌بندی شده است.

۳. تعریف دینداری

از آن‌جا که این مقاله در پی کشف محورهای اساسی دینداری است، تفکیک «دین»^۴ از «دینداری»^۵ ضروری به نظر می‌رسد. وقتی سؤال می‌شود، دین چیست؟ اگر چه گاه دین به‌عنوان پدیده خارجی و مستقل از پذیرش انسان‌ها یعنی مستقل از روان انسان‌ها و جامعه انسانی مدنظر قرار می‌گیرد (۱۹). باید توجه داشت که دینداری یا تدین ناظر به پذیرش دین توسط انسان‌هاست. در واقع دینداری صفت و حالت انسان درباره دین است. آشکار است که نفس‌الامری دین، غیر از تحقیق آن در روان یا جامعه انسانی است. لازم به توجه است که واژه «دین» همان‌طور که در مفهوم نفس‌الامری دین کاربرد فراوان دارد در مفهوم

دینداری نیز شایع است. به عبارت دیگر واژه دین در متون قرآنی و حدیثی به معانی متعددی به کار رفته است؛ ولی دو مفهوم آن شایع است:

الف) مجموعه قواعد اعتقادی، اخلاقی، فقهی و حقوقی است که خداوند به منظور اداره فرد و جامعه انسانی و پرورش انسان‌ها در اختیار بشر قرار داده است. (۱۰، ص: ۳۳). طریحی (ج: ۶، ص: ۲۵۱) ضمن تعریف دین به این مفهوم، دو آیه ۱۹ و ۸۵ سوره آل عمران را از موارد کاربرد واژه دین به این مفهوم دانسته و می‌نویسد: دین، همان قواعد و مقررات خداوندی برای صاحبان خرد (بشر) است که شامل اصول و فروع می‌باشد. خدای متعال در سوره آل عمران / ۹ می‌فرماید: «همانا دین پسندیده در نزد خدا، اسلام است» و نیز می‌فرماید: «هر کس غیر از اسلام دینی اختیار کند، هرگز از وی پذیرفته نیست و او در آخرت از زیان‌کاران است» (آل عمران/ ۸۵).

ب) دین به معنای دینداری است که در واقع طاعت (۱۴، ص: ۳۱۰) انقیاد و پای‌بندی فرد به همان قواعد اعتقادی، اخلاقی، فقهی و حقوقی می‌باشد که خدا در اختیار بشر قرار داده است. این مفهوم، کاربرد بیشتری در قرآن دارد و حتی گفته می‌شود که مفهوم اصلی واژه دین در قرآن «همان خضوع و انقیاد در برابر برنامه‌ها و مقررات الهی» است (۲۷، ج: ۳، ص: ۲۸۵). این مفهوم (مفهوم دینداری) شامل شناخت و پذیرش قلبی نسبت به توحید، عدل، نبوت، امامت، آخرت و انقیاد نسبت به احکام الهی است. مفهوم واژه دین در آیات دیگری مانند آیه ۵ سوره بینه همین دینداری است؛ زیرا ضمن توجه مردم به مأموریت اصلی آنان و انتظاری که از آن‌ها می‌رود، از بندگی و دینداری مخلصانه و مؤلفه‌های اصلی آن مانند اقامه نماز و پرداخت زکات به عنوان دین قیم یاد می‌شود.

در این مقاله، پژوهشگران با بررسی موارد کاربرد دین به مفهوم دینداری و پایبندی افراد به محورهای اساسی دین و پژوهش در سه دسته واژه‌های کلیدی دینداری، نشانگان دیانت و امور منافی تدین، به جمع‌آوری، توصیف و تحلیل محتوایی آن‌ها پرداخته و با رویکردی روان‌شناختی دیدگاه اولیای دین را در ابعاد مختلف دینداری مورد بررسی قرار می‌دهند. در پژوهش حاضر تعریف دینداری مبتنی بر چهار نوع رابطه انسان با خداوند، با خود، دیگران و جهان هستی تبیین می‌گردد. این ساختار هماهنگ با سه عنصر اساسی (عقاید، اخلاقیات و احکام) است که در تعریف دین توسط تعدادی از علماء، از جمله جوادی آملی (۹) و مطهری، مطرح شده است. با توجه به این عناصر اصلی در دین و ویژگی‌های روان‌شناختی، عاطفی و رفتاری می‌توان دینداری را چنین تعریف کرد: «شناخت و باور به پروردگار یکتا، انبیا آخرت و احکام الهی و داشتن علائق و عواطف معینی نسبت به خدا، خود، دیگران و جهان هستی در جهت تقرب به خدا و التزام و عمل

به وظایف دینی».

منظور از شناخت و باور، درک و اعتقاد قلبی انسان به وجود و صفات خداوند، ارسال رسول، و وجود جهان پس از مرگ به عنوان اصول دین اسلام و مجموعه احکام الهی است و آنچه بر پیامبر اسلام نازل گشته است. علایق و عواطف معین به بُعد عاطفی دینداری اشاره دارد و به طور کلی حبّ و بغض در جهت تقرب به خدا را شامل می‌شود. ارتباط عاطفی با خداوند، خود، دیگران و جهان هستی بیان کننده ابعاد برنامه‌های تربیتی اسلام در جهت دینداری است.

التزام و عمل به وظایف دینی اشاره به بعد رفتاری دارد به طوری که فرد دیندار پس از شناخت و احساس عاطفی نسبت به دستورات دینی، خود را ملزم به انجام آن‌ها می‌داند.

۱.۳. واژه‌های کلیدی

واژه‌های کلیدی در احادیث که نشانگر مؤلفه‌های اصلی در دینداری هستند، عبارتند از: ملاک‌الدین، اصل‌الدین، قواعدالدین، اساس‌الدین، عمادالدین، رأس‌الدین، نظام‌الدین و جماع‌الدین.

۱.۳.۱. **ملاک‌الدین**: این واژه کلیدی، به معنای ملاک و معیار دینداری است. به عنوان نمونه، این واژه در کلام امام علی(ع)، درباره دو مؤلفه اصلی دینداری، یعنی صدق و یقین به کار رفته است. آن حضرت می‌فرماید: «دو چیز مهم ملاک و معیار دینداری است: یکی صدق و راستی و دیگری شناخت و باور یقینی.»

۱.۳.۲. **اصل‌الدین**: این واژه، به معنای ریشه اصلی دینداری است. این واژه را رسول اکرم(ص) درباره توحید به کار برده است. ایشان می‌فرماید: «برای هر دینی، اصل و پایه و فرع و بنیانی است و اصل دینداری و پایه آن کلمه توحید «لا اله الا الله» است و فرع و بنیان آن، محبت مردم به اهل‌البیت(ع) است.»

این واژه، چند بار در کلام امام علی(ع)، نیز آمده است: الف) امانت‌داری و وفای به پیمان‌ها از پایه‌های اصلی دینداری شمرده شده است.^۸ ب) اقامه نماز و پرهیز از گناهان کبیره، پایه اصلی امور مربوط به دینداری دانسته شده است.^۹ ج) دینداری به درختی تشبیه شده که اصل و ریشه آن، تسلیم امر خدا بودن و خشنودی از خدا و نعمت‌هایی است که به فرد داده شده و یا رضایت از آنچه درباره او روا داشته شده است.^{۱۰} د) ضمن تشبیه دینداری به درخت، با آوردن «لام تأکید» ریشه و اصل دینداری، یقین به پروردگار دانسته شده است.^{۱۱}

۱.۳.۳. **قواعدالدین**: این واژه، به معنای پایه‌های دینداری است. امام علی(ع) در عبارتی شش چیز را از پایه‌های دینداری دانسته و می‌فرماید: «شش چیز از پایه‌های

دینداری است که عبارتند از: شناخت یقینی، ناب و خالی از ابهام نسبت به خدا و متعلقات دیگر ایمان، خیرخواهی مسلمانان، برپا داشتن نماز، پرداخت زکات، انجام حج و عدم وابستگی به دنیا»^{۱۲}.

۳.۱.۴. اساس الدین: این تعبیر، به معنای پایه و بنیاد دینداری است. در کلام امام علی(ع) محبت و پیروی از محمد و آل محمد(ص) به عنوان بنیاد دینداری مطرح گردیده است.^{۱۳}

۳.۱.۵. عمادالدین و عمودالدین: این دو واژه، به معنای رکن و ستون دینداری است. این دو عبارت در کلام رسول اکرم(ص)، امام علی(ع) و امام باقر(ع) درباره نماز آمده است. رسول اکرم(ص) با دو تعبیر عماد و عمود و امام باقر(ع) با تعبیر عمود، نماز را ستون و رکن اساسی دینداری معرفی می‌کنند.^{۱۴} هم‌چنین حضرت علی(ع) ضمن سفارش مؤکد به نماز می‌فرماید: «شما را به خدا قسم مراقب نماز باشید زیرا که پایه و ستون محوری دینداری شما است»^{۱۵}.

۳.۱.۶. رأس الدین: رأس الدین به معنای سر و عنصر محوری در دینداری است که قبل از امور دیگر دینداری، مورد توجه قرار می‌گیرد. این تعبیر در پنج حدیث از امام علی(ع) آمده است. در این احادیث عناصر محوری در دینداری که نسبت به دیگر عناصر دینداری به منزله سر، نسبت به سایر اعضای بدن دانسته شده است، عبارتند از: مخالفت با هواهای نفسانی و شیطانی^{۱۶}، انجام اعمال نیک و شایسته^{۱۷}، راستی در گفتار و کردار^{۱۸} و معرفت یقینی که به راستی مطابق با واقع و درست باشد.^{۱۹}

۳.۱.۷. نظام الدین: این واژه حکایت از ارتباط عناصر دینداری و ساختاری آن دارد و منظور این است که فرد دیندار با اعمال شایسته خود جلوه هم‌هنگ و آراسته‌ای از دین نشان می‌دهد. در دو حدیث امام علی(ع)، این تعبیر به کار رفته است: در یک حدیث می‌فرماید: «نظام و آراستن دینداری با دو ویژگی است: یکی این‌که به راستی و صداقت درباره خود داوری کنی و در احقاق حق خویش، حقوق دیگران را نادیده نگیری و دوم این‌که به برادران دینی خود کمک و یاری رسانی»^{۲۰} و در حدیث دیگر می‌فرماید: آراستگی و نظام دینداری مخالفت با هواهای نفسانی، پاکسازی نفس از وابستگی و میل شدید به دنیا است^{۲۱} و در حدیث امام باقر(ع) عشق و محبت به اهل بیت، آراستگی و نظام دینداری دانسته شده است.^{۲۲}

۳.۱.۸. جماع الدین: این واژه به معنای جامعیت دینداری است و منظور اوصاف جامع دینداری است که در یک فرد گرد می‌آید. این واژه در سه حدیث از حضرت علی(ع) آمده است. در حدیث اول اوصاف جامع دینداری چهار چیز دانسته شده است: ۱- اخلاص در

انجام اعمال نیک. ۲- آرزوهای دور و دراز دنیوی نداشتن. ۳- بذل و بخشش و احسان به دیگران. ۴- کفّ نفس و بازداری از زشتی‌ها.^{۲۳} در حدیث دوم می‌فرماید: بر تو باد به رعایت تقوای الهی و صدق و راستی که این دو جامع دینداری است.^{۲۴} در حدیث سوم می‌فرماید: سه صفت است که جامع دینداری است: ۱- عفت و پاکدامنی. ۲- ورع و پرهیز از محرمات. ۳- حیا.^{۲۵} از ۳۸ عبارت در احادیث فوق ۴ عبارت مربوط به بعد شناختی، ۲۱ عبارت مربوط به بعد عاطفی و ۱۳ عبارت مربوط به بعد عملکردی است. در بعد شناختی، معرفت یقینی نسبت به خدا و متعلقات دیگر ایمان طرح شده است.

معرفتی که به راستی مطابق با واقع و درست باشد و هیچ‌گونه شک و ابهام در آن نباشد. در بعد عاطفی بر مؤلفه‌های اساسی در ارتباط با خدا، رسول خدا(ص) و اهل بیت علیه‌السلام، مسلمانان و مؤمنان، خود، دیگران و دنیا تأکید شده است. جدول ۲ نشان‌دهنده محوره‌های اساسی دینداری در بعد عاطفی است.

جدول ۲: محوره‌های دینداری در بعد عاطفی

مؤلفه‌ها	محوره‌های دینداری
رضا و خشنودی از پروردگار و نعمت‌های الهی، تسلیم قلبی، اخلاص در عمل	خدا
محبت و دوستی	رسول خدا(ص) و اهل‌بیت(ص)
خیرخواهی، صدق و درستی	مسلمانان و مؤمنان
حیا، مخالفت با هواهای نفسانی، پرهیز از آرزوهای دور و دراز، کفّ نفس	خود
پایبندی به تعهدات	دیگران (غیر مسلمانان)
پرهیز از دل بستگی به دنیا	دنیا

در بعد عملکردی: اقامه نماز، پرداخت زکات، انجام حج، انجام اعمال نیک، بخشش و احسان، وفای به عهد، امانت‌داری، راستی در گفتار و کردار، پاکدامنی، تقوا، پرهیز از گناهان کبیره و دوری از حرام مطرح شده است.

در مطالعه متون حدیثی به این حقیقت دست یافتیم که تقریباً همان تعبیرهایی که در این متون برای واژه دین و کاربردهای آن آمده، در مورد ایمان نیز مطرح شده است. این مطلب حاکی از آن است که در احادیث، واژه دیندار و مؤمن و هم‌چنین دینداری و ایمان در موارد مشابهی به کار رفته است، از جمله:

۳. ۱. ۹. **دعائم‌الایمان**: این واژه به معنای تکیه‌گاه‌های ایمان است. امام علی(ع) فرموده است: «ایمان بر چهار تکیه‌گاه استوار است: صبر، یقین، جهاد و عدل.»^{۲۶} و نیز

فرموده است: «عفت و پاکدامنی و احساس رضایت از روزی به اندازه، از تکیه‌گاه‌های ایمان است.»^{۲۷}

۳.۱.۱۰. **ارکان‌الایمان:** این واژه به معنای رکن‌های اساسی است. حضرت علی(ع) فرموده است: «ایمان دارای چهار رکن اساسی است: توکل و اعتماد به خدا و واگذاری امور به خدا، تسلیم امر خدا بودن و رضا و خشنودی از قضای پروردگار.»^{۲۸}

۳.۱.۱۱. **اصل‌الایمان:** این واژه به معنای ریشه و پایه اصلی ایمان است. حضرت علی(ع) فرموده است: پایه اصلی و ریشه ایمان تسلیم امر خدا بودن است.^{۲۹} و نیز می‌فرماید: «ایمان درختی است که ریشه و اصل آن یقین، فرع و شاخه‌های آن تقوا، درخشندگی آن حیا و نتیجه آن سخاوتمندی می‌باشد.»^{۳۰}

۳.۱.۱۲. **حقیقه‌الایمان:** این واژه به معنای درستی ایمان است. امام صادق(ع) می‌فرماید: «یکی از نشانگان ایمان حقیقی و درست این است که حق را بر باطل ترجیح دهی هر چند باطل به نفع تو باشد.»^{۳۱} رسول اکرم(ص) در دیدار با حارثه، علامت ایمان حقیقی‌اش را سؤال کرد. وی در پاسخ: بیزاری از دنیا، گذراندن شب به عبادت، راز و نیاز با خدا و روزه‌دار بودنش را مطرح کرد.^{۳۲} همین سؤال را پیامبر(ص) در یکی از سفرهایش از هم کاروانی‌هایش که ادعای ایمان داشتند، پرسید. آن‌ها پاسخ دادند: خشنودی به قضای الهی، گردن نهادن به فرمان خدا، سپردن کارها به خدا نشانه دینداری و ایمان است.^{۳۳} رسول اکرم(ص) در حدیثی فرمود: «هر چیزی حقیقتی دارد و هیچ بنده‌ای به حقیقت ایمان و دینداری نرسد، مگر آن که بداند آن چه به او رسیده نمی‌توانست نرسد و آن چه به او نرسیده نمی‌توانست برسد.»^{۳۴} هم‌چنین آن حضرت می‌فرماید: «بنده آن‌گاه به ایمان حقیقی دست یابد که برای خدا به خشم آید و برای خدا خشنود شود.»^{۳۵} امام صادق(ع) نیز می‌فرماید: «هیچ یک از شما به ایمان حقیقی نرسد مگر آن که دورترین فرد به خود را برای خدا دوست بدارد و نزدیک‌ترین فرد را به خاطر خدا دشمن بدارد.»^{۳۶} و امام باقر(ع) می‌فرماید: «هیچ یک از شما به ایمان حقیقی نرسد مگر آن که به خاطر محبت و دوستی ما، مرگ را از زندگی، فقر را از توانگری، و بیماری را از تندرستی دوست‌تر بدارد.»^{۳۷}

ملاحظه می‌شود که در احادیث فوق - اولاً در بعد شناختی، معرفت یقینی نسبت به خدا و متعلقات دیگر دینداری مطرح شده است. ثانیاً در بعد عاطفی بر مؤلفه‌هایی چون حب، توکل و تفویض، رضا به قضا و رضا به روزی به اندازه، تسلیم در برابر امر خدا، حیا، ترجیح حق بر باطل، عدم وابستگی به دنیا و صبر تأکید گردیده است. ثالثاً در بعد عملی بر مؤلفه‌هایی مانند جهاد، عدالت، و عفت و پرهیز از گناهان تکیه شده است.

جدول ۳ نشان دهنده واژگان کلیدی، معانی و ابعاد دینداری است.

جدول ۳: واژگان کلیدی، معانی آن‌ها و ابعاد روان‌شناختی که در احادیث به آن اشاره شده است.

واژگان	معانی	ابعاد روان‌شناختی
ملاک الدین	معیار و ملاک دینداری	شناختی، باور، عاطفی
اصل الدین	ریشه اصلی دینداری	شناختی، باور، عاطفی، عملکردی
قواعد الدین	پایه‌های دینداری	شناختی، باور، عاطفی، عملکردی
اساس الدین	بنیاد و پایه اساسی دینداری	شناختی، عاطفی
عماد الدین و عمود الدین	رکن و ستون دینداری	عملکردی
رأس الدین	سر و عنصر محوری دینداری	عملکردی، شناختی
نظام الدین	آنچه امر دینداری به آن است، سازمان دینداری	عملکردی، عاطفی
جماع الدین	اوصاف جامع دینداری	عملکردی، عاطفی، شناختی
دعائم الایمان	تکیه‌گاه‌های ایمان	عملکردی، شناختی، عاطفی
ارکان الایمان	رکن‌های اساسی ایمان	عاطفی، شناختی
اصل الایمان	ریشه‌های اصلی ایمان	عاطفی
حقیقه الایمان	درستی ایمان	شناختی، باور، عاطفی، عملکردی

۳.۲. نشانگان و اوصاف فرد دیندار

در آیات و احادیث زیادی خصوصیات و مشخصات فرد دیندار و مؤمن آمده است و نشانه‌ها و ویژگی‌های شناختی، باور، عاطفی و رفتاری افراد دیندار مطرح شده است. در اکثر این مجموعه از آیات و احادیث، همه جنبه‌های دینداری مورد توجه قرار گرفته است و حقیقت دینداری هم به گونه‌ای است که هر یک از عناصر آن به تنهایی تحقق نمی‌یابد، بلکه مجموعه معرفت یقینی، باور و عواطف مثبت، عملکردهای شایسته، اجتناب از عملکردهای ناشایسته، ایمان و دینداری محسوب می‌شود. از سوی دیگر این مشخصات و اوصاف در آیات و احادیث فراوانی تکرار شده و مورد تأکید قرار گرفته است. در زیر به تعدادی از این آیات و احادیث اشاره می‌شود:

در آیات یکم تا دهم از سوره مؤمنون به بیان شش صفت مهم عاطفی و عملکردی به شرح زیر پرداخته شده است: «محققاً مؤمنانی که دارای اوصاف زیرند رستگارانند: آن‌ها که در نمازشان خشوع دارند، از انجام کارهای بی‌پوده و لغو دوری می‌گزینند، زکات مال خود را پرداخت می‌نمایند، عورت‌های خود را حفظ می‌کنند. (کسانی که غیر از این عمل می‌کنند، آن‌ها تجاوزگرند)، هم‌چنین مؤمنانی رستگارانند که امانت‌ها و تعهدات را مراعات می‌کنند، بر

نمازشان محافظت دارند، اینان همان وارثان بهشت فردوس اند که در آن جا همیشه خواهند بود.

در آیه ۱۵ در سوره حجرات^{۳۹} با اشاره به سه محور شناختی، باور و عمل، از میان اوصاف اساسی مؤمنان آمده است: «همانا مؤمنان کسانی اند که واقعاً به خدا و رسولش شناخت و باور دارند هرگز شک و تردید ندارند با مالها و جانهایشان در راه خدا فعالیت و جهاد می کنند، اینان کسانی اند که در دینداری و ایمانشان صادق اند.» و در آیه ۱۷۲ سوره بقره باور به متعلقات ایمان و تعدادی از امور عاطفی- رفتاری به عنوان مشخصات صدق دینداری و ایمان اشاره شده است: «کسانی که به خدا، آخرت، ملائکه، کتاب آسمانی و انبیا باور دارند و به انگیزه محبت خدا به خویشان، یتیمان، مسکینها، در راه ماندهها، سائلان و در راه آزادی غلامها و کنیزها انفاق می کنند نماز بر پا می دارند، زکات می پردازند، به عهد و پیمانهایشان پایبندند، در کار و سختیها و به هنگام رنج و سختی صبورند، اینان در ایمانشان صادقند و اینان همان تقوا پیشگانند.» و در آیات ۵-۲ سوره انفال دینداران حقیقی چنین معرفی می شوند: «همانا مؤمنانی که به هنگام ذکر خدا دلهاشان ترسان و لرزان می شود و وقتی آیات الهی برای آنها تلاوت شود باور و دینداری آنان بیشتر می گردد و بر خدا توکل کرده و نماز را بر پا می دارند و از آنچه به آنها روزی شده انفاق می کنند؛ اینان حقیقتاً مؤمن و دیندارند. آنها در پیشگاه خدا دارای درجات مقام و آمرزش و روزی کریمانه می باشند.»

امام علی (ع) از رسول خدا (ص) نقل می کند که آن حضرت در مقایسه ایمان و اسلام و توصیف ایمان به باور و عملکرد فرمود: «ایمان آن باوری است که در دل تثبیت شده و عملکردها آن را تصدیق و تأیید می کنند.»^{۳۸} ولی اسلام به مفهوم آنچه از دین بر زبان جاری می شود، از جمله اثرش این است که ازدواج با آن حلال می گردد. و نیز فرموده: «ایمان به دل و زبان و در عمل با هجرت با جان و مال تحقق می یابد.»^{۳۹} و یا در یکی از سفرهایش، هنگامی که کاروانی بر آن حضرت وارد شدند و خود را دیندار و مؤمن معرفی کردند، حضرت فرمود: «علامت این که ایمان شما حقیقی است چیست؟ گفتند: رضا به قضای الهی، تسلیم امر او بودن، بر او اعتماد کردن و واگذاری کارها به اوست. پیامبر (ص) فرمود: «شما دانشمندانی هستید که از نظر حکمت مشابه انبیا می باشید، اگر در این ادعا راست می گوئید، ساختمانهایی که نمی توانید در آن سکون و آرامش دائم داشته باشید نسازید و آنچه را که نمی خورید جمع نکنید و تقوای الهی را رعایت کنید که به سوی او باز می گردید.» هم چنین با تأکید بر این که حقیقت ایمان بعد عاطفی است فرموده است:^{۴۱} «بنده به حقیقت ایمان راه پیدا نمی کند تا آن که برای خدا خشم بگیرد و برای خدا خشنود

بررسی الگوی دینداری از منظر قرآن و سنت ۵۵

شود. هنگامی که این را انجام دهد سزاوار حقیقت ایمان است.» و نیز در بعد عاطفی نسبت به مردم فرموده است: «بنده مؤمن نخواهد بود تا آن که آن چه از خیر و خوبی برای خود می‌خواهد برای مردم بخواهد.»^{۴۲} هم‌چنین آن حضرت هماهنگی زبان و دل و وحدت قول و عمل را از ایمان دانسته و فرموده است: «به درستی که فرد مؤمن نمی‌تواند باشد تا آن که دلش با زبانش مساوی، زبانش با دلش هماهنگ باشد، سخنش با عملش مخالف نباشد و همسایه او از بلا و بدبختی‌های او در امان باشد.»^{۴۳} امام سجاد(ع) پنج نشانه برای مؤمن و فرد دیندار می‌شمارد: ۱- در پنهانی گناه نکردن؛ ۲- صدقه دادن در حالی که فرد مال زیاد ندارد؛ ۳- صبر و مقاومت به هنگام مصیبت؛ ۴- بردباری و حلم به هنگام خشم؛ ۵- راستگویی در شرایط ترس.»^{۴۴} امام صادق(ع) نیز سه نشانه مؤمن و فرد دیندار را به شرح زیر مشخص کرده و فرموده است: «از علامت‌ها و خصوصیات فرد مؤمن سه چیز است: علم و آگاهی به خدا و کسی که خدا وی را دوست دارد، از رفتار او خشنود است و کسی که خدا از او به دلیل رفتار نامطلوبش ناخشنود باشد.»^{۴۵} و نیز به عنوان یکی از علامت‌های دینداری و ایمان حقیقی فرموده است: «از جمله نشانه‌های ایمان حقیقی این است که همیشه حق را بر باطل ترجیح دهی؛ گر چه حق به زیان تو و باطل به سود تو باشد.»^{۴۶} و هم‌چنین رضایت فرد دیندار را از آن چه خدا انجام داده، شرط ایمان دانسته و فرموده است: «بدانید که هیچ بنده از بندگان خدا حقیقتاً مؤمن نخواهد بود تا آن که از خدا در آن چه به او داده و با او کرده راضی باشد و رضایت و خشنودی او بر محور دوستی و بی‌زاری خدا بگردد.»^{۴۷}

جدول شماره ۴ نشان دهنده نشانگان دینداری در ابعاد مختلف شناختی، عاطفی و عملکردی است که در آیات و احادیث به آن اشاره شده است.

جدول ۴: نشانگان دینداری در ابعاد مختلف شناختی، عاطفی و عملکردی

بعد شناختی و اعتقادی	بعد عاطفی، انگیزشی و اخلاقی	بعد عملکردی
شناخت و باور به خدا و رسول، آخرت، ملائکه، کتب آسمانی و پیامبران افزایش باور به هنگام تلاوت قرآن باور به گونه‌ای که عمل آنرا تصدیق می‌کند باور به دل و زبان و عمل شناخت دوستان خدا شناخت دشمنان خدا به دنبال علم بودن	محبت خدا - رسول(ص) و اهل بیت، رضا و خشنودی از خدا، رسول و اهل بیت، گذشت، صداقت، ترجیح حق بر باطل، صله رحم، عدم وابستگی به دنیا، رضا و خشنودی به قضای الهی، تسلیم امر خدا بودن، توکل و اعتماد بر خدا ترجیح دادن خدا بر خویشاوندان خود، خوف و رجاء، همدردی با مؤمنان، هر چه بر خود می‌خواهد برای دیگران هم بخواهد توجه قلبی به خدا، پایبندی به خانواده، حلم و بردباری از خشم نایجا، پایبندی به تعهدات، اخلاص، دوستی و مهرورزی، خشوع در عبادت، صبر در شتاد و سختی‌ها، وجل بودن(ترس از نوع ترس مخبتین)، خشم و خشنودی به خاطر خدا، گشاده‌روئی و اخلاق نیکو	انجام عبادت نماز و محافظت بر آن، روزه گرفتن، برنامه ریزی درست در امر معاش، پرداخت زکات، فداکاری با جان و مال در راه خدا، عمل صالح، سلام کردن، انفاق کردن، استواری در راه خدا پایداری در دفاع از جنگ، اقامه قسط، راستگویی، ذکر، نیکو سخن گفتن، شهادت عادلانه، اطاعت همه جانبه از خدا و رسول و امام، تزکیه نفس، پرهیز از گناه، دوری از لغو و بیهودگی، دوری از زشتی، عفت و پاکدامنی، رعایت تقوا، پرهیز از ستم، یاری دین خدا، هماهنگی دل، گفتار، کردار، امانت‌داری

۳.۳. نشانگان آسیب‌شناختی دینداری

سومین دسته از متون قرآنی و حدیثی که می‌توان مؤلفه‌های دینداری را از آن‌ها به دست آورد متونی است که در آن‌ها به عناصر منافی با دینداری پرداخته شده است. این عناصر که با دینداری منافات دارد و موجب تضعیف ایمان است، اموری را شامل است که مربوط به هر سه دسته عناصر شناختی، عاطفی و عملکردی است. متونی که در آن‌ها به این امور منافی پرداخته شده است فراوان است. در زیر تعدادی از مجموعه آیات و احادیث، بر اساس دسته‌بندی فوق آورده می‌شود:

۳.۳.۱. عناصر شناختی: در آیات و احادیث زیر به عناصر منافی با دینداری که مرتبط با بعد شناختی است، پرداخته شده است. رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «همه خیر و خوبی‌ها با عقل ادراک می‌گردد، و کسی که تعقل ندارد و عقل خود را به کار نمی‌گیرد تا امور را به خوبی ادراک نماید؛ دیندار نیست.»^{۴۸} و امام علی (ع) می‌فرماید: «کسی که به دلیل خوب نیندیشیدن در امور دینی شک و تردید پیدا می‌کند، دیندار محسوب نمی‌شود.»^{۴۹} امام صادق (ع) در مورد کسی که در دین پیامبر (ص) و هدایت علی بن ابی طالب (ع) تردید می‌نماید، فرمود: «کسی که شک و تردید دارد؛ دیندار نیست.»^{۵۰} قرآن ضمن این‌که اظهار نظر کفرآمیز گروهی از قوم موسی را خلاف ایمان دانسته و از مؤمنان خواسته است به مانند آنان ایمان خود را از دست ندهند؛ می‌فرماید: «ای مؤمنان به مانند آن کسانی نباشید که با حرف‌های کفرآمیز و تقاضای دیدن خدا با چشم، موسی را رنجاندند. خدا از آن‌چه گفتند بیزار است و خود حضرت موسی پیش خدا محبوب و با احترام بود.» (احزاب/۶۹) حضرت علی (ع) در مورد کسانی که تفقه ندارند و ادعای دینداری دارند و یا عدم اندیشیدن آن‌ها به انکار آیه‌ای از کتاب خدا می‌انجامد، می‌فرماید: «ای مردم بدانید سه دسته‌اند که دیندار نیستند، گرچه ادعای دینداری داشته باشند؛ کسانی که آیه‌ای از کتاب خدا را انکار می‌کنند، یا باطلی را به خدا نسبت می‌دهند، یا از کسی که عصیان خدا می‌کند، اطاعت می‌نمایند.» سپس فرمود: «ای مردم در دینداری فردی که اندیشه و فهم عمیق در آن نباشد، هیچ خیری نیست.»^{۵۱} و امام صادق (ع) درباره کسی که خدا را چنین می‌شناسد که با چشم سر دیده می‌شود، فرمود: «این چنین فردی دیندار نیست.»^{۵۲} و نیز درباره کسی که خود را بدون شناخت یقینی و درست، مؤمن می‌داند، فرمود: «کسی که خیال می‌کند مؤمن است بدون این‌که شناخت یقینی و درست از خدا و صفات او داشته باشد؛ گمراه است.»^{۵۳} از این‌رو در حدیث دیگری یکی از سه علامت دینداری را دانش و شناخت فرد دانسته و فرموده است: «به درستی که دینداری سه نشانه دارد: پاکدامنی، دانش و شناخت و بردباری.»^{۵۴}

۲.۳.۳. عناصر عاطفی: عناصر آسیب‌زای دینداری در حوزه عاطفی نیز در آیات و

احادیث فراوان، مورد توجه قرار گرفته است. در زیر به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود:

امام صادق (ع) می‌فرماید: «هر کسی که حب و بغض دینی نداشته باشد و بر اساس دین، حب و بغض خود را نسبت به افراد و اشیا تنظیم ننماید، دیندار نیست.»^{۵۵} قرآن هم بر دوستی و دشمنی به خاطر خدا تأکید می‌کند و دوست پنداشتن دشمنان خدا و پذیرفتن ولایت و حکومت آنان را گمراهی از دینداری و ایمان دانسته است. در آیه ۱ سوره ممتحنه می‌فرماید: «ای مؤمنان هرگز دشمنان من و خودتان را ولیّ خود نگیرید، که مودت و محبت به آن‌ها نشان دهید. آنان به قرآن که حق است، کافر شده و انکار می‌کنند و پیامبر و شما را به جرم ایمان و دینداری از دیارتان بیرون می‌کنند. اگر شما در راه جهاد و رضایت من اقدام می‌کنید محبت و مودت به آن‌ها چه مفهومی دارد؟ و من آن‌چه را پنهان و یا آشکار کرده‌اید می‌دانم، کسی که چنین کند راه (ایمان و هدایت) را گم کرده است.» و در آیه ۵۱ سوره مائده می‌فرماید: «ای مؤمنان هرگز یهود و نصاری را ولیّ خود نگیرید، آن‌ها اولیای یکدیگرند. فردی از شما که ولایت آن‌ها را بپذیرد از آن‌ها است، به درستی که خدا گروه ستمکاران را هدایت نمی‌کند.» در حدیثی ابن ابی یعفر می‌گوید به امام صادق (ع) گفتیم: «من تعجب می‌کنم که برخی از افراد امانتدار، راستگو و متعهد به وفای عهدند ولی ولایت حق شما را نپذیرفته‌اند و ولایت ستمگران را پذیرفته‌اند. و در مقابل افرادی هستند که ولایت شما را پذیرفته‌اند و ولایت ستمگران را نپذیرفته‌اند ولی از آن صفات بی‌بهره‌اند.» امام فرمود: «کسی که ولایت ستمکار را بپذیرد و متدین به ولایت کسی باشد که ولایتش از ناحیه خدا نیست دیندار نیست (آن‌چه به ظاهر خوبی و دینداری از آنان می‌بینی به خاطر خدا نیست) اینان دیندار نیستند.»^{۵۶} در حدیث دیگری فرمود: «وای بر کسانی که با امر به معروف و نهی از منکر متدین به خدا نمی‌شوند، کسی که به زبان اقرار به توحید می‌کند هرگز به ملکوت آسمانی نمی‌رسد تا وقتی که آن را با عمل صالح کامل کند. دیندار نیست آن کسی که اعمال دینی را با پذیرش ولایت امام غیر عادل انجام می‌دهد؛ دیندار نیست کسی که با اطاعت از ستمگر اعمال به ظاهر صالحی را انجام می‌دهد.»^{۵۷}

درباره محبت و ولایت اهل البیت و محوریت آن در دینداری و ایمان به رسول اکرم (ص) احادیث فراوانی فرموده است، از جمله فرموده: «هیچ فردی مؤمن نخواهد بود تا آن‌که اهل بیت را دوست داشته باشد.»^{۵۸} و «ایمان جز با محبت ما اهل البیت کامل نیست»^{۵۹} و یا «ایمان جز با پذیرش ولایت ما اهل البیت کامل نیست.»^{۶۰} هم‌چنین رسول اکرم (ص) ابراز عصبانیت به صورت پرخاشگری را با ایمان منافی دانسته و می‌فرماید: «خشمگینی بر علیه دیگران ایمان را فاسد می‌کند، همان‌طور که داروی صبر

زرد^{۶۱} و یا سرکه غسل را فاسد می‌کند.»^{۶۲} امام علی(ع) در مورد کسی که صبر و مقاومت درونی ندارد می‌فرماید: «بر شما باد به صبر و مقاومت. به‌درستی که کسی که صبر ندارد دیندار نیست.»^{۶۳} و نیز پیامبر(ص) درباره آسیب رساندن بی‌حیایی (و حریم نگه نداشتن از خدا) به دینداری، می‌فرماید: «کسی که حیا ندارد و برای خدا حریم نگه نمی‌دارد و آشکارا به کارهای زشت اقدام می‌کند دیندار نیست.»^{۶۴} و در مورد خیانت به امانت و به عهد وفا نکردن نیز می‌فرماید: «کسی که امانتدار نیست ایمان ندارد و کسی که متعهد به وفای عهد نیست دیندار نیست.»^{۶۵}

امام علی(ع) وابستگی به دنیا را منافی با دینداری دانسته و می‌فرماید: «دنیا طلبی باعث فساد در دینداری است.»^{۶۶} و امام صادق(ع) نیز به همین موضوع پرداخته و می‌فرماید: «دل‌های شما از شیرینی ایمان و دینداری محروم است تا آن‌که دنیا طلبی را کنار بگذارید و زهد پیشه کنید.»^{۶۷} و حضرت علی(ع) درباره منافات بدبینی با دینداری، به مؤمنان می‌فرماید: «آفت دینداری بدبینی است.»^{۶۸} امام صادق(ع) در حدیثی شش صفت را منافی با ایمان دانسته که چهار صفت آن عاطفی است آن حضرت می‌فرماید: «شش چیز است که در مؤمن و دیندار نمی‌باشد، سخت‌گیری نسبت به افراد، بداخلاقی، حسادت، لجاجت، دروغ و تجاوز به حقوق دیگران.»^{۶۹}

۳.۳.۳. عناصر عملکردی: عناصر متعددی نیز در بعد عملکردی به ایمان و دینداری لطمه وارد می‌سازد. در آیات و احادیث فراوانی به این عناصر پرداخته شده است. در زیر به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌کنیم: در قرآن در موارد متعددی خطاب به مؤمنان، از عملکردهایی که با ایمان و دینداری منافات دارد، نهی شده است. فرار از جهاد و دفاع، فعالیت‌های شیطان‌پسند، نجوا و برنامه‌ریزی برای گناه و دشمنی، شرابخواری، قماربازی، تجسس و غیبت، مسخره کردن، لقب زشت دادن، از جمله عناصری است که در آیات زیر مطرح گردیده است: در آیه ۱۵ سوره انفال می‌فرماید: «ای مؤمنان به هنگام جهاد با کافران، از جهاد فرار نکنید.» و در آیه ۲۱ سوره نور می‌فرماید: «ای مؤمنان قدم جای پای شیطان نگذارید و فعالیت‌های ناپسند انجام ندهید. کسی که پیروی از شیطان می‌کند، به فحشا و منکر وادار می‌شود اگر فضل و رحمت خدا نبود هیچ یک از شما از فعالیت‌های شیطانی پاک و مبرا نبودید...»

در آیه ۹۰ سوره مائده می‌فرماید: «ای مؤمنان شراب خوری و انواع قماربازی پلید و ناپسند است و از اعمال شیطانی محسوب می‌شود، پس از آن دوری گزینید.» و در آیه ۹ سوره مجادله می‌فرماید: «ای مؤمنان بر اساس گناه و دشمنی و نافرمانی رسول اکرم(ص) نجوا نکنید (و سرّی نقشه نریزید) بلکه بر اساس برّ و نیکی و تقوا نجوا کنید و برنامه‌ریزی

نمائید. تقوای الهی را رعایت کنید که به سوی او محشور می‌شوید.» و در آیات ۱۱ و ۱۲ سوره حجرات می‌فرماید: «ای مؤمنان هیچ گروهی دیگر را نمی‌بایست مسخره کند نه مردان و نه زنان چه بسا آنان بهتر باشند و هرگز از یکدیگر عیب‌جویی نکنید و لقب‌های زشت به یکدیگر ندهید. بسیار زشت است فسق‌ها بعد از ایمان. کسانی که توبه نکنند ستمکارند. ای کسانی که مؤمنید از گمان‌بری زیاد نسبت به افراد دوری کنید زیرا بعضی از گمان‌ها گناه است. در امور افراد تجسس نکنید و بعضی از شما نباید غیبت بعضی دیگر را بنمایند. آیا فردی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد، مسلماً بدتان می‌آید، تقوای الهی پیشه کنید، به درستی که خدا توبه‌پذیر و رحیم است.»

در احادیث نیز عناصر رفتاری فراوانی مطرح شده است که به دینداری آسیب می‌رساند. از جمله: امام صادق (ع) می‌فرماید: «کمترین چیزی که فرد را از دینداری و ایمان بیرون می‌برد این است که فرد در مجالس به حرف گزافه‌گو گوش بدهد و او را تأیید نماید.»^{۷۰} و نیز می‌فرماید: «جدال در سخن و دشمنی‌ها باعث فساد نیت و انگیزه شخص می‌شود و دینداریش از بین می‌رود.»^{۷۱} هم‌چنین درباره تعدادی از اعمال که باعث می‌شود فرد از ایمان بیرون برود می‌فرماید: «کسی که شرب خمر کند یا زنا نماید و یا روزی از روزهای ماه رمضان را عمداً و بدون عذر شرعی روزه‌خواری کند از ایمان بیرون می‌رود.»^{۷۲} و نیز دو عمل دروغگویی و تجاوز به حقوق دیگران را در کنار چهار وصف عاطفی، آسیب‌زا به ایمان دانسته و می‌فرماید: «شش چیز است که در مؤمن نیست: (از جمله) دروغگویی و تجاوز به حقوق دیگران.»^{۷۳} و رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «دینداری که نماز و رکوع و سجود نداشته باشد، دینداری نیست.»^{۷۴}

امور آسیب‌زا به دینداری را که در بالا اشاره شد، در سه بعد شناختی، عاطفی و عملکردی می‌توان در جدول (۵) زیر نشان داد.

جدول ۵: دینداری و عناصر آسیب شناختی آن

عناصر شناختی و باور گونه	عناصر عاطفی، انگیزشی و اخلاقی	عناصر عملکردی
عدم تعقل (اندیشیدن عقلی نداشتن)	نداشتن حب و بغض دینی	نماز نخواندن
عمیق نیندیشیدن، شناخت یقینی به خدا نداشتن	پذیرش ولایت دشمنان خدا	اطاعت از گناهکار
شک و تردید در دین	محبت دشمنان خدا را در دل داشتن	اطاعت از ظالم
داشتن عقیده کفرآمیز	پذیرفتن ولایت یهودیان و مسیحیان	روزه خواری
انکار آیه‌ای از قرآن	پذیرفتن ولایت ستمگران	انجام کارهای زشت
نسبت باطل به خدا دادن	نپذیرفتن ولایت حق (اهل البیت) (ع)	دروغگویی
	دوست نداشتن اهل البیت (ع)	فرار از جهاد
	عصبانیت و پرخاشگری	برنامه‌ریزی برای گناه و دشمنی با مؤمنان
	بی‌حیایی	شرابخواری
	وابستگی به دنیا	قمار بازی
	بدبینی به مؤمنان	تجسس
	بد خلقی	غیبت
	حسادت	مسخره کردن
	لجاجت	لقب زشت دادن
	عدم پایبندی به تعهدات	گوش دادن و تأیید حرف گزافه‌گو
		جدال در سخن و ابراز دشمنی با مؤمنان
		زنا
		خیانت به مردم
		سخت‌گیر بودن

ملاحظه می‌شود که در سه دسته متون قرآنی حدیثی مورد مطالعه، بر سه محور اصلی مؤلفه‌های دینداری یعنی محور شناخت‌ها و باورها، عواطف و عملکردها تأکید شده است و این به این معناست که دینداری با درونی شدن شناخت‌ها، باورها و عواطف و انجام وظایف و پرهیز از عملکردهای آسیب‌زا در فرد شکل می‌گیرد و بدون آن‌ها، دینداری تحقق نمی‌یابد.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

در این تحقیق دین از نظر روان‌شناختی مورد بررسی قرار گرفت و معلوم شد که دانشمندان غالباً با رویکرد برون دینی و بر اساس مطالعات تجربی و مشاهدات خود از دینداران مختلف (حتی در یک دین واحد مانند مسیحیت) ویژگی‌های متفاوتی را برای دینداری مطرح کرده‌اند و هر کدام بر اساس مدل روان‌شناختی که داشته‌اند، محتوایی از دینداری را مورد تأکید قرار داده‌اند. تشتت آرا و مدل‌های روان‌شناختی متفاوت حکایت از آن دارد که این تحقیقات از انسجام برخوردار نبوده است. از این‌رو است که در اکثر موارد اصطلاحات یکسان به کار نبرده‌اند و در اصطلاحات یکسان هم محتوای یکسانی در نظر نداشته‌اند. علاوه بر این که در این تحقیقات به امور کلی دینداری پرداخته شده است و به صورت کاملاً عملیاتی و کاربردی محتوای دینداری ریز و مشخص نگردیده است. اما در بررسی الگوهای دینداری با رویکرد درون دینی مجموعه‌ای از آیات و احادیث در سه دسته واژگان کلیدی (۱۴واژه)، نشانگان و اوصاف دیندار و عبارت‌های حاکی از عناصری که با دینداری منافات دارد، تبیین دلالتی و تحلیل محتوایی انجام گرفت و معلوم شد که دینداری در تمام ابعاد وجود انسانی است و شامل بعدهای عرفانی، تجربه معنوی، اخلاقی، حقوقی، اجتماعی، سیاسی و مانند آن می‌شود و چنین نیست که صرفاً جنبه معنوی و ارتباط با خدا را شامل شود. با توجه به متون بررسی شده و محورهای مورد تأکید در آن‌ها، محتوای دینداری به صورت ریز مشخص گردیده و سپس با توجه به سه بعد معرفتی و باورگونه، عاطفی و انگیزشی و عملکردی و رفتاری مؤلفه‌های دینداری، آن‌ها به ابعاد شناختی، عاطفی و عملکردی طبقه‌بندی گردید. مجموع مؤلفه‌های به دست آمده از این سه دسته متون قرآنی و حدیثی در جدول زیر (ش ۶) آمده است.

جدول ۶: مؤلفه‌های دینداری

الف: واژگان کلیدی	بعد شناختی	بعد عاطفی	بعد عملکردی
اصل‌الدین	اعقاد به توحید، شناخت یقینی و باور به خدا	خشنودی خدا، تسلیم	اقامه نماز، اجتناب از کبائر، امانتداری، وفای به عهد
ملاک‌الدین	شناخت یقینی و باور به خدا	صدق و راستی	
قواعد‌الدین	شناخت یقینی و باور به خدا	خیرخواهی مسلمانان، عدم وابستگی به دنیا	اقامه نماز، پرداخت زکات، انجام حج
اساس‌الدین			اقامه نماز
رأس‌الدین	شناخت یقینی		
نظام‌الدین		مخالفت با هوای نفس، یاری برادران دینی، صدق و راستی، عدم وابستگی به دنیا، عشق به اهل بیت(ع)	انجام اعمال نیک، مخالفت با هواهای نفسانی، راستی در گفتار و کردار

۶۲ فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز

		محبت به اهل البیت(ع)	بنیان الدین
اقامه نماز			عمود الدین و عمادالدین
عمل مخلصانه، انفاق و احسان، رعایت تقوا، عفت و پاکدامنی، ورع و پرهیز از محرّمات	نکردن آرزوهای طولانی، صدق و راستی، حیا، کنترل خود از زشتی‌ها		جماع الدین
جهاد، عدالت، عفت و پاکدامنی	احساس رضایت از روزی، صبر و مقاومت	یقین	دعائم الایمان
	توکل، تفویض، تسلیم، رضا به قضا		ارکان الایمان
رعایت تقوا	تسلیم، حیا، سخاوتمندی	یقین	اصل الایمان
عبادت نماز، روزه‌داری	برقراری رابطه عبودیت	ترجیح حق بر باطل، زهد و پیراستگی از وابستگی به دنیا، رضا به قضای الهی، تسلیم، تفویض، خشم و شادی برای خدا، دوستی و دشمنی برای خدا، محبت اهل البیت(ع)	حقیقه الایمان
انجام عبادت نماز و و محافظت بر آن، برنامه‌ریزی درست در امر معاش، پرداخت زکات، هجرت در راه خدا و فداکاری با جان و مال، عمل صالح، سلام کردن، انفاق کردن، استواری در راه خدا، پایداری در دفاع از جنگ، اقامه فسط، ذکر و توجه به خدا، نیکو سخن گفتن، شهادت عادلانه، اطاعت همه جانبه از خدا و رسول و امام، پرهیز از گناه، دوری از لغو و بیهوده، عفت و پاکدامنی، دوری از زشتی، رعایت تقوا، پرهیز از ستم، تزکیه نفس، یاری دین خدا، راستگویی، هماهنگی دل، گفتار، کردار، وفای به عهد، امانت‌داری، یاری دین خدا،	محبت خدا - رسول(ص) و اهل البیت(ص)، گذشت، صداقت، ترجیح دادن حق بر باطل، عدم وابستگی به دنیا، رضا و خشنودی به قضای الهی، تسلیم امر خدا بودن، اخلاص و انگیزه الهی داشتن، توکل و اعتماد به خدا، ترجیح دادن خدا بر خوبشاوندان خود، خوف و رجا، همدردی با مؤمنان، هر چه بر خود بخواهد برای دیگران بخواهد، پابندی به خانواده، حلم و بردباری از خشم نابجا، دوستی و مهرورزی، خشوع در عبادت، صبر در شدائد و سختی‌ها، وَجَل بودن(ترس از نوع ترس مخبتین) خشم و خشنودی به خاطر خدا	باور به رسول اکرم(ص)، باور به آخرت، باور به کتب آسمانی، باور به پیامبران، شناخت قلبی از خدا، شناخت دوستان خدا، شناخت دشمنان خدا، باور به خدا، اخلاص و انگیزه الهی داشتن، افزایش باور به هنگام تلاوت قرآن، باور تصدیق می‌کند، باور به دل و زبان و عمل،	ب - اوصاف دیندار

بررسی الگوی دینداری از منظر قرآن و سنت ۶۳

<p>ج - منافی دینداری</p>	<p>بی‌خردی و عدم تعقل، شک و تردید در دین، اظهار نظر کفرآمیز، حرام دانستن طبیعت، ارائه نظرهای نادرست، شک و تردید، داشتن عقیده کفرآمیز، انکار آیه‌ای از قرآن، نسبت باطل به خدا دادن، باور به جسمانیت خدا و قابل رؤیت با چشم سر بودن او</p>	<p>صله رحم، رحم به ضعیفان، گشاده‌روئی و اخلاق نیکو، پذیرش ولایت کفر، دوستی با آنان که کفر را دوست دارند، محرم راز قرار دادن کفار، دوستی با مسخره‌کنندگان دین، غفلت از خدا و وابستگی به اموال و اولاد، بداخلاقی، بدگمانی به مردم و به رزق و روزی خداوندی، لجبازی، حسادت‌ورزی، دل بستگی به دنیا، نداشتن حب و بغض دینی، پذیرش ولایت دشمنان خدا، محبت دشمنان خدا را در دل داشتن و به آنها مودت کردن، پذیرفتن ولایت یهودیان و مسیحیان، خیانت، پایبند به وفای عهد نبودن، پذیرفتن ولایت ستمگران، نپذیرفتن ولایت حق (اهل‌البیت)، دوست نداشتن اهل‌البیت (ع) عصیانیت و پرخاشگری، بی‌حیایی، بدبینی به مؤمنان، بداخلاقی</p>	<p>فعالیت‌های شیطان‌پسند، فرار از جنگ، نجوا و برنامه‌ریزی برای گناه، زورگویی و تجاوز، شرابخواری، قماربازی، به ناحق خوردن مال مردم، نماز خواندن در حال مستی، گوش دادن به گزافه‌گویی‌ها و تأیید آن، غیبت، تجسس در امور شخصی دیگران، نماز نخواندن، روزه‌خواری، اطاعت از عاصی، اطاعت از ظالم، انجام کارهای زشت، دروغ‌گویی، تجاوز به حقوق دیگران، فرار از جهاد، برنامه‌ریزی برای گناه و دشمنی با مؤمنان، شرابخواری، قماربازی، زنا، تجسس، غیبت، مسخره کردن، لقب زشت دادن، گوش دادن و تأیید حرف گزافه گو، جدال در سخن و ابراز دشمنی با مؤمنان، خیانت به خدا، رسول و امانت‌های مردم، سخت‌گیر بودن</p>
---------------------------------	--	---	---

این تحقیق با مؤلفه‌هایی که به عنوان صفات شیعه در متون حدیثی آمده است همسویی دارد. یعنی همان عناصر اصلی در صفات شیعه، عناصر اصلی در ایمان و دینداری است. لازم به توجه است که مؤلفه‌های دینداری کشف شده در این تحقیق، مبتنی بر عناصر اصلی خود دین است که در تقسیم‌بندی مشهور دانشمندان اسلامی به عنوان عقاید، اخلاق و احکام (۱۰، ص: ۶) و یا اصول و فروع دین (۹، ج: ۶، ص: ۲۵۱) مطرح گردیده است (۲۶، ص: ۷۶).

از نتایج این تحقیق آن است که در متون قرآنی و حدیثی بعد شناختی و باور با هم از ارکان دینداری محسوب می‌شود و صرف علم حتی به صورت یقینی آن و یا تصدیق منطقی، ایمان نیست. و بر این اساس در این تحقیق مؤلفه‌های مربوط به شناخت و باور در یک دسته طبقه‌بندی شده‌اند. مرحوم علامه طباطبایی (۱۸) در تأیید این امر می‌نویسد: ایمان، اعتقاد قلبی است و صرف تصدیق منطقی و علم یقینی با کفر و الحاد و بی‌دینی قابل جمع است. شاهد بر این دو آیه «و جحدوا بها و استیقنتها انفسهم ظلماً و علواً» (نحل/۱۴) و «ان الذین ارتدو علی ادبارهم من بعد ما تبین لهم الهدی» (محمد/۲۵) است. در آیه اول انکار خدا و رسالت پیامبر به کافرانی نسبت داده شده که علم یقینی به خدا و رسول داشته‌اند و

در آیه دوم از کسانی یاد می‌شود که با این‌که نسبت به راه هدایت تبیین علمی و شناخت یقینی داشته‌اند، اما دچار ارتداد و کفر شده‌اند. بنابراین ممکن است فردی به متعلقات دین شناخت یقینی پیدا کند ولی چون باور و اعتقاد ندارد و آن‌را با دل خود نمی‌پذیرد، دیندار و مؤمن نیست و منظور از تصدیق در حدیث «ان الایمان هو التصدیق بالقلب...» تصدیق منطقی نیست بلکه تصدیق اعتقادی است و به همین جهت به قلب نسبت داده شده است. استاد جوادی آملی (۹) و استاد فیاضی هم همین نظر را تأیید کرده‌اند و منظور از تصدیق را باور و اعتقاد دانسته و نه تصدیق منطقی که مرحوم ملّا صدرا آن را بیان کرده است.

مؤلفه‌های دینداری که در این پژوهش از متون قرآنی و حدیثی استنباط شده است همان پایبندی و انقیاد به مجموعه قواعد اعتقادی، اخلاقی و احکام است که عناصر اصلی دین را تشکیل می‌دهند. و آن‌چه در این طبقه‌بندی مؤلفه‌های دینداری آمده است با آن‌چه آرین دینداری را در سه قسمت باورهای دینی، رفتارهای دینی و تعامل الهی دسته‌بندی کرده است تفاوت دارد. زیرا بخش عواطف و گرایش‌ها و جنبه‌هایی از باورهای دینی و بخش اعظم از رفتارهای دینی مورد توجه قرار نگرفته است. اضافه بر این‌که مؤلفه‌ها از منابع اصیل دینی (قرآن و حدیث) استخراج نگردیده بلکه با رویکرد برون‌دینی و بر اساس تصورات کلی از دین، این دسته‌بندی انجام گرفته است.

در این تحقیق با کشف مؤلفه‌های دینداری از متون اصلی دین به یکی از مهم‌ترین مبانی نظری روان‌شناسی دینی پرداخته شده و عناصر دینداری در مدل روان‌شناختی به مؤلفه‌های شناختی، عاطفی و رفتاری ترسیم گردیده است و با مشخص شدن ریز مؤلفه‌ها، محور سؤالات دینداری معلوم شده و زمینه ساخت مقیاس روان‌سنجی کاملاً علمی ناظر به مؤلفه‌های دینی فراهم گردیده است.

در این تحقیق گرچه موقعیت و شرایط کلامی و قرائن مربوطه در صدور احادیث لحاظ گردیده است ولی موقعیت مخاطبان، بررسی نشده است. چه بسا محوری دانستن یک مؤلفه‌ای در برخی از احادیث به دلیل شرایط و موقعیت خاص مخاطب بوده است. گرچه با توجه به تکرار در این مؤلفه‌ها در شرایط و مخاطبان مختلف، می‌توان اذعان داشت که این محدودیت ضربه‌ای به نتایج تحقیق وارد نمی‌سازد هم‌چنین محتمل است بسیاری از مطالبی که در احادیث آمده است، در واکنش به جریان فکری انحرافی در جامعه، در عصر صدور آن احادیث باشد و بررسی دقیق آن‌ها چه بسا در تشخیص اهمیت نسبی برخی مؤلفه‌ها و محوری بودن آن تأثیر داشته باشد. در تحقیقات بعدی باید با در نظر گرفتن وقت زیادتر و همکاری گروهی در رفع این محدودیت‌ها کوشید.

یادداشت‌ها

1- The ritual

۲- علم رجال دانشی است که به بررسی مشخصات راویان و میزان اطمینان به نقل آنان می‌پردازد (۱۵، ص: ۹).

۳- علم درایه دانشی است که سلسله سند حدیث و میزان صحت و ضعف اسناد یا ارسال روایت را بررسی می‌کند (۱۵، ص: ۱۰).

4- Religion

5- Religiosity

- ۶- «شِبْثَانِ هُمَا مَلَائِكَةُ الدِّينِ: الصِّدْقُ وَ الْيَقِينُ». (۵، ش ۵۷۷۰)
- ۷- «ان لكل دين اصلًا و دعامة و فرعاً و بنياناً و ان اصل الدين و دعامة قول: لا اله الا الله، و ان فرعه و بنيانه و محبتكم اهل البيت(ع)...». (۲۴، ج: ۲۳، ص: ۲۴۷، ج: ۱۹)
- ۸- «أصل الدين اداء الأمانة و الوفاء بالعهود». (۵، ش ۱۷۶۲)
- ۹- «أصل الأمور في الدين أن يُعْتَمَدَ عَلَى الصَّلَوَاتِ وَ يَجْتَنَبَ الْكِبَائِرَ». (۲۴، ج: ۷۸، ص: ۷، ج: ۵۹)
- ۱۰- «الدِّينُ شَجَرَةٌ أَصْلُهَا التَّسْلِيمُ وَ الرِّضَا». (۵، ش ۱۲۵۵)
- ۱۱- «إِنَّ الدِّينَ لَشَجَرَةٌ أَصْلُهَا الْيَقِينُ بِاللَّهِ». (۵، ش ۳۵۴۱)
- ۱۲- «سَبْتٌ مِنْ قَوَاعِدِ الدِّينِ: إِخْلَاصُ الْبَقِيَّةِ وَ نُصْحُ الْمُسْلِمِينَ وَ إِقَامَةُ الصَّلَاةِ وَ إِيْتَاءُ الزَّكَاةِ وَ حَجُّ الْبَيْتِ وَ الزَّهْدُ فِي الدُّنْيَا». (۵، ش ۵۶۳۸)
- ۱۳- «هم (آل محمد) اساس الدين». (۱۳، خ ۱۳/۲)
- ۱۴- «الصلاة عماد الدين». «إن عمود الدين الصلاة...» (۱۶، ص: ۱۸۵) و (۲۳۰، ش ۱۸۸۸۹)
- ۱۵- «الله الله في الصلاة فانها عمود دينكم». (۱۳، ك ۴۷/۵)
- ۱۶- «رأس الدين مخالفة الهوى». (۵، ش ۵۲۵۷)
- ۱۷- «رأس الدين إكتساب الحسنات». (۵، ش ۵۲۴۵)
- ۱۸- «الصدق رأس الدين». (۵، ش ۵۱۷)
- ۱۹- «رأس الدين صحبة اليقين». (۵، ش ۵۲۲۸) «رأس الدين صدق اليقين» (۲۴، ج: ۷۷، ص: ۲۱۳، ح ۱)
- ۲۰- «نظام الدين خصلتان: انصافك من نفسك و مواساة إخوانك». (۵، ش ۹۹۸۳)
- ۲۱- «نظام الدين مخالفة الهوى و التنتزه عن الدنيا». (۵، ش ۹۹۸۱)
- ۲۲- «حُبُّنَا اهل البيت نظام الدين». (۲۰، ص: ۲۹۶)
- ۲۳- «جماع الدين في اخلاص العمل و تقصير الامل و بذل الاحسان و الكف عن القبيح» (۵، ش ۴۷۷۰)
- ۲۴- «عليك بالتقوى و الصدق، فهما جماع الدين». (۵، ش ۲۸۲۷)
- ۲۵- «ثلاث هن جماع الدين: العفة و الورع و الحياء». (۵، ش ۴۶۷۹)
- ۲۶- «الايمان على أربع دعائم: على الصبر و اليقين و الجهاد و العدل». (۳۰، ش ۱۳۸۸)
- ۲۷- «حسن العفاف و الرضا بالكفاف من دعائم الايمان». (۵، ش ۴۸۳۸)
- ۲۸- «الايمان على اربعة اركان: التوكل على الله و التفويض الى الله و التسليم لامر الله و الرضا بقضاء الله». (۲۴، ج: ۷۸، ص: ۶۳)

۲۹- «اصل الايمان حُسن التسليم لأمرالله». (۵، ش ۱۷۸۶)

۳۰- «الايمان شجرة اصلها اليقين و فرعها التقى و نورها الحياء و ثمرها السخاء». (۵، ش ۳۰۸۷)

۳۱- «إن من حقيقة الايمان أن تؤثر الحق و إن ضرك على الباطل و إن نفعك». (۲۴، ج: ۷۰، ص: ۱۰۶، ح: ۲)

۳۲- «لقى رسول الله يوماً حارثة... فقال له: كيف أصبحت يا حارثة؟ قال: أصبحت يا رسول الله مؤمناً حقاً. قال: إن لكل إيمان حقيقة، فما حقيقة إيمانك؟ قال: عزفت نفسي عن الدنيا، و أسهرت ليلي، و أظمأت نهارى». (۱۶، ص: ۱۸۷، ح: ۵)

۳۳- «بيننا رسول الله في بعض أسفاره إذ لقيه ركب فقالوا: السلام عليك يا رسول الله، فقال ما أنتم؟ قالوا: نحن مؤمنون. قال: فما حقيقة الايمانكم؟ قالوا: الرضاء بقضاء الله و التسليم لامر الله و التفويض الى الله تعالى، فقال: علماء كادوا أن يكونوا من الحكمه أنبياء، فإن كنتم صادقين فلا تبنوا ما لا تسكنون، و لا تجمعموا ما لا تأكلون، و اتقوا الله الذى اليه ترجعون». (۱۶، ص: ۱۸۷، ح: ۶)

۳۴- «إن لكل شىء حقيقة و ما بلغ عبد حقيقة الايمان حتى يعلم أن ما أصابه لم يكن ليخطئه و ما أخطاه لم يكن ليصيبه». (۳۰، ش ۱۲)

۳۵- «لا يحق العبد حقيقة الايمان حتى يغضب لله و يرضى لله، فاذا فعل ذلك فقد استحق حقيقة الايمان». (۳۰، ش ۹۹)

۳۶- «لا يبلغ أحدكم حقيقة الايمان حتى يحب أبعد الخلق منه فى الله، و يُغض أقرب الخلق منه فى الله». (۶، ص: ۳۶۹)

۳۷- «لا يبلغ أحدكم حقيقة الايمان حتى يكون فيه ثلاث خصال: حتى تكون الموت أحب إليه من الحياء، و الفقر أحب إليه من الغنى، و المرض أحب إليه من الصحه». (۱۶، ش ۱۱۸۹)

۳۸- قال لى رسول الله (ص): «يا على، أكتب، فقلت: ما أكتب؟ فقال: أكتب: بسم الله الرحمن الرحيم، الايمان ما وفر فى القلوب و صدقته الاعمال، و الإسلام ما جرى على اللسان و حلت به المناكحة». (۲۴، ج: ۵۰، ص: ۲۰۸، ح: ۲۲، ص: ۱۷۷، ح: ۴۸)

۳۹- «الايمان بالقلب و اللسان، و الهجره بالنفس و المال». (۳۰، ش ۴)

۴۰- ر. ك. ۳۳.

۴۱- «لا يحق العبد حقيقة الايمان حتى يغضب لله و يرضى لله، فاذا فعل ذلك فقد استحق حقيقة الايمان». (۳۰، ش ۹۹)

۴۲- «لا يؤمن عبد حتى يحب للناس ما يحب لنفسه من الخير». (۳۰، ش ۹۵)

۴۳- «إن الرجل لا يكون مؤمناً حتى يكون قلبه مع لسانه سواً، و يكون لسانه مع قلبه سواً، و لا يخالف قوله عمله، و يأمن جاره بوائقه». (۳۰، ش ۴۲۲، ۲۹، ۵۹، ۸۵)

۴۴- «علامات المؤمن خمس: الورع فى الخلو، و الصدقة فى القلة، و الصبر عند المصيبة، و الحلم عند الغضب، و الصدق عند الخوف». (۲۴، ج: ۶۷، ص: ۲۹۳، ج: ۱۵، ص: ۳۱۴، ح: ۴۹)

۴۵- «ثلاث من علامات المؤمن: علمه بالله، و من يحب، و من يغضب». (۲۳، ج: ۲، ص: ۱۲۶، ح: ۹) مرحوم مجلسى در (۲۵، ج: ۸، ص: ۲۶۳) در بيان حديث مى فرمايد: «علمه بالله» اى بذاته و صفاته-

بررسی الگوی دینداری از منظر قرآن و سنت ۶۷

«و من یجبّ و من یبغض» ای من یحبه الله من الانبیاء و الاوصیاء و من یبغضه من الکفار و اهل الضلال او الضمیر فی الفعلین راجع الی المؤمن ای علمه بمن یحب ان بحبه و یحب ان ینفعه و کاته أظهر».

۴۶- «إِنَّ مِنْ حَقِيقَةِ الْإِيْمَانِ أَنْ تُؤَثَّرَ الْحَقُّ وَ إِنْ ضُرَّكَ عَلَى الْبَاطِلِ وَ إِنْ نَفَعَكَ» (۲۴، ص: ۱۰۶، ج: ۲).

۴۷- «أَعْلَمُوا أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ عَبْدٌ مِنْ عِبِيدِهِ (الله) حَتَّى يَرْضَى عَنْ اللَّهِ فِيمَا صَنَعَ اللَّهُ إِلَيْهِ وَ صَنَعَ بِهِ، عَلَى مَا أَحَبَّ وَ كَرِهَ». (۲۴، ج: ۳۷، ص: ۷۹ و ج: ۷۸، ص: ۲۱۷، ج: ۹۳، ص: ۲۵۳، ج: ۱۱۲).

۴۸- «إِنَّمَا يُدْرِكُ الْخَيْرُ كُلَّهُ بِالْعَقْلِ، وَ لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ». (۲۲، ج: ۷۷، ص: ۱۵۸، ج: ۷۳، ص: ۳۹۳، ج: ۷)

۴۹- «الْمُرْتَابُ لَا دِينَ لَهُ». (۵، ش: ۱۰۱۴)

۵۰- «... مِنْ شَكِّ فَلَا دِينَ لَهُ». (۲۴، ج: ۸۴، ص: ۳۵۹، ج: ۷)

۵۱- «إِيْهَا النَّاسُ ثَلَاثٌ لَا دِينَ لَهُمْ: لَا دِينَ لِمَنْ دَانَ بِجُحُودِ آيَةٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَ لَا دِينَ لِمَنْ دَانَ بِفِرْيَةٍ بَاطِلَةٍ عَلَى اللَّهِ وَ لَا دِينَ لِمَنْ دَانَ بِطَاعَةِ مَنْ عَصَى اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى ثُمَّ قَالَ: إِيْهَا النَّاسُ لَا خَيْرَ فِي دِينٍ «لَا تَفَقَّهُ فِيهِ...». (۲۴، ج: ۲، ص: ۱۱۸، ج: ۱۹).

۵۲- «... ذَلِكَ رَجُلٌ لَا دِينَ لَهُ». (۲۴، ج: ۴، ص: ۳۲، ج: ۷)

۵۳- «... فَمَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُؤْمِنُ بِمَا لَا يَعْرِفُ فَهُوَ ضَالٌّ». (۲۴، ج: ۴، ص: ۱۶۱، ج: ۶)

۵۴- «... إِنْ لِلدِّينِ ثَلَاثٌ عَلَامَاتٍ: الْعِفَّةُ وَ الْعِلْمُ وَ الْحَلِيمُ». (۲۴، ج: ۱۳، ص: ۴۲۰، ج: ۱۴)

۵۵- «كُلٌّ مِنْ لَمْ يَحِبَّ عَلَى الدِّينِ وَ لَمْ يَبْغُضْ عَلَى الدِّينِ فَلَا دِينَ لَهُ». (۲۴، ج: ۶۹، ص: ۲۵۰، ج: ۲۷)

۵۶- «لَا دِينَ لِمَنْ دَانَ بَوْلَايَةِ إِمَامٍ جَائِرٍ لَيْسَ مِنْ اللَّهِ... لَا دِينَ لِأَوْلَئِكَ...». (۲۴، ج: ۲۳، ص: ۳۲۳، ج: ۳۹)

۵۷- «وَبَلِّغْ لِمَنْ لَا يَدِينُ اللَّهَ بِالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ قَالَ: وَ مَنْ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فَلَنْ يَلِجَ مَلَكُوتَ السَّمَاءِ حَتَّى يَتِمَّ قَوْلُهُ بِعَمَلٍ صَالِحٍ وَ لَا دِينَ لِمَنْ دَانَ اللَّهُ بِغَيْرِ إِمَامٍ عَادِلٍ وَ لَا دِينَ لِمَنْ دَانَ

اللَّهُ بِطَاعَةِ ظَالِمٍ...» (۲۴، ج: ۶۹، ص: ۴۰۲، ج: ۱۰۲)

۵۸- «لَا يُؤْمِنُ رَجُلٌ حَتَّى يَحِبَّ أَهْلَ بَيْتِي» (۲۴، ج: ۲۷، ص: ۱۰۷، ج: ۷۹)

۵۹- «لَا يَتِمُّ الْإِيْمَانُ إِلَّا بِمُحِبَّتِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ» (۲۴، ج: ۳۶، ص: ۳۲۲، ج: ۱۷۸)

۶۰- «لَا يَتِمُّ الْإِيْمَانُ إِلَّا بِوَلَايَتِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ» (۲۴، ج: ۳۶، ص: ۳۲۶، ج: ۱۸۲)

۶۱- صبر، گیاهی است از تیره سوسن‌ها، دارای برگ‌های دراز و ضخیم و تیغ‌دار، گل‌هایش زردرنگ و مانند خوشه در سر ساقه قرار دارد، در جاهای گرم می‌روید و بر چند گونه است و از انواع آن شیرابه‌ای می‌گیرند که پس از سفت شدن به صورت صمغی زرد رنگ در می‌آید و آن را در فارسی صبر زرد یا آلو و به فرانسه آلوئاس (ALOE) می‌گویند. عمید، فرهنگ عمید، ج ۱ ص ۱۳۵۳.

۶۲- «الغضب یفسد الايمان كما یفسد الصبر العسل و كما یفسد الخلّ العسل». (۲۴، ج: ۷۳، ص: ۲۶۵، ج: ۱۵)

۶۳- «علیکم بالصبر فانه لا دین لمن لا صبر له». (۲۴، ج: ۷۱، ص: ۹۲، ج: ۴۶)

۶۴- «من لم یستحی من الله و جاهره بالقبیح فلا دین له». (۲۴، ج: ۷۱، ص: ۳۳۵، ج: ۱۶)

۶۵- «لا ایمان لمن لا امانه له و لا دین لمن لا عهد له». (۲۴، ج: ۷۲، ص: ۱۹۸، ج: ۲۶)

۶۶- «فساد الدین دنیا». (۵، ش: ۶۵۵۴ و ۴۶۰۹)

۶۷- «حرام علی قلوبکم ان تعرف حلاوة الايمان حتی تزهد فی الدنيا». (۲۳، ج: ۲، ص: ۱۲۸، ج: ۲)

- ۶۸- «أفة الدين سوء الظن». (۵، ش ۳۹۲۴)
- ۶۹- «ستة لا تكون في مؤمن: العسرُ والنكدُ، والحسدُ واللجاجُ والكذبُ والبغى». (۶، ص: ۳۷۷)
- ۷۰- «أدنى ما يخرج به الرجلُ من الايمان أن يُجلسَ إلى غالٍ فيستمعَ إلى حديثه و يصدقهُ على قوله». خصال صدوق، ص ۷۲.
- ۷۱- «فان الكلام و الخصومات تفسد النية و تمحق الدين». (۲۴، ج: ۲، ص: ۱۳۷، ح: ۴۶)
- ۷۲- «من شرب الخمر خرج من الايمان و من زنى خرج من الايمان و من أفطر يوماً من شهر رمضان متعمداً خرج من الايمان». (۲۴، ج: ۶۹، ص: ۱۹۷، ح: ۱۳)
- ۷۳- «ستة لا تكون في مؤمن: ... و الكذب و البغى». (۶، ص: ۳۷۷)
- ۷۴- «لا خير في دين ليس فيه ركوع و لا سجود». (۲۴، ج: ۱۸، ص: ۲۰۳، ح: ۳۳)

منابع

الف: منابع فارسی

۱. قرآن کریم، (۱۳۸۰)، ترجمه الهی قمشه‌ای.
۲. آذربایجانی، مسعود، (۱۳۸۰)، "آزمون جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام"، پایان‌نامه / ارشد روان‌شناسی بالینی، راهنمایی دکتر پریخ دادستان، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۳. آرین، خدیجه، (۱۳۷۸)، "بررسی رابطه دینداری و روان‌درستی ایرانیان مقیم کانادا"، پایان‌نامه دکتری روان‌شناسی عمومی، تهران: دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی.
۴. آلستون، (۱۳۷۶)، دین و چشم‌اندازهای نو، ترجمه غلامحسین توکلی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۵. آمدی، عبدالواحدین تمیمی، (۱۳۷۳)، غررالحکم و دررالکلم، شرح: محمد خوانساری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۶. ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی بن‌الحسین، (۱۴۰۰ق)، تحف‌العقول، ترجمه فارسی، تصحیح علی‌اکبر غفاری، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
۷. انوری، حمیدرضا، (۱۳۷۳)، "پژوهشی راجع به تقدیر‌گرایی"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
۸. پترسون و همکاران، (۱۳۷۷)، عقل و اعتقاد دینی، ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، تهران: طرح نو.
۹. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۹)، تسنیم، قم: نشر اسراء.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۰)، شریعت در آینه معرفت، قم: مرکز نشر اسراء.

بررسی الگوی دینداری از منظر قرآن و سنت ۶۹

۱۱. خرمشاهی، بهاء الدین، (۱۳۷۲)، دین پژوهشی، دفتر اول، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۱۲. خسرو پناه، عبدالحسین، (۱۳۷۹)، کلام جدید، قم: مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه.
۱۳. دشتی، محمد، سید کاظم، محمدی، (۱۳۶۹)، المعجم المفهرس لالفاظ نهج البلاغه، قم: نشر امام علی (ع).
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۹۲ق)، معجم مفردات الفاظ القرآن، دارالکاتب العربی، چاپ و صحافی قم: اسماعیلیان.
۱۵. السبحانی، جعفر، (۱۳۸۰)، دروس موجزه فی علمی الرجال و الدراییه، قم: مرکز العالمی للدراسات الاسلامیه.
۱۶. سبزواری، محمد، (۱۴۱۴ق)، جامع الاخبار، قم: مؤسسه آل البيت.
۱۷. شیخ صدوق، علی بن الحسین، (۱۴۰۳ق)، النخال، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۸. طباطبایی (علامه)، سید محمد حسین، (۱۳۶۳)، المیزان فی تفسیر القرآن (۲۰ جلد). قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
۱۹. طریحی، فخرالدین، (۱۳۶۲)، مجمع البحرین، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
۲۰. شیخ طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۱۴ق)، الأمالی، قم: مؤسسه البعثه، دارالثقافه.
۲۱. غزالی، ابو حامد، (۱۳۹۸ق)، کیمیای سعادت (۳ جلد)، به کوشش عبد الرحیم خدیو جم، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۲. فیاضی، غلامرضا، (۱۳۸۴)، "حقیقت ایمان از منظر ملاصدرا و علامه طباطبایی"، مجله پژوهش‌های دینی، سال اول، شماره اول، قم: دانشگاه تهران، پردیس قم.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب، (بی تا)، اصول الکافی، دو جلد، تهران: المکتبه الاسلامیه.
- ۲۴- مجلسی، محمدباقر، (بی تا)، بحار الانوار ج ۲، ۴، ۱۳، ۲۳، ۲۹، ۵۰، ۶۷، ۶۹، ۷۱، ۷۰، ۷۲، ۷۳، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۹۲، ۹۳، ۱۰۳، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- ۲۵- مجلسی، محمدباقر، (۱۳۶۳)، مرآة العقول، ج: ۸، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۲۶- مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۶۷)، معارف قرآن، قم: مؤسسه در راه حق.
- ۲۷- مصطفوی، حسن، (۱۳۶۰)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۲۸. مطهری، مرتضی، (بی تا)، مجموعه آثار (۱۵ جلد)، قم: صدرا.

۲۹. ملاصدرا، محمد، (۱۳۸۶ق)، الاسفار الاربعه، قم: مکتبه مصطفوی.

۳۰. الهندی، علاءالدین علی الممتقی، (۱۳۸۹ق)، کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، بیروت: مکتبه التراث الاسلامی.

ب: منابع انگلیسی

31- Fukuyama, Mary A., & Seving, Todd D., (1999), *Tntergrating Spirituality Into Multicultural Counseling*, London: Sage Publications.

31-Peterson, Michael, Hasker, W. Reichenbach, B.& Basinger, D., (1991), *Religious Belief, An Interoduction to the Philosophy of Religion*, Oxford University Press.

32- Stark, R., & Glock, C.Y., (1968). *American Piety: The Nature of Religious Commitment*. Berkeley: University of California Press.

33-Wulff, D.M., (1991), *Psychology of Religion: Classic and Contemporary Views*, New York: John Willey.